

رابرت وانوی ، تاریخ عهد عتیق، درس ۱۲

پیدایش ۳ - سقوط - فرآیند تسلیم، نتایج اولیه

ج. فرآیند تسلیم

ما در مورد پیدایش ۳ «سقوط در گناه» بحث می‌کردیم و به بحث در مورد ۲ رسیدیم. «جزئیات سقوط». «و من در مورد الف و ب «ماهیت آزمایش «و» مار» بحث کرده بودم. بنابراین از ج شروع می‌کنیم. همه اینها در برگه طرح کلی شما است». «جزئیات سقوط»، که ج. زیر شماره ۲ است. و سپس ج. (جایی است که ما ادامه می‌دهیم، که عبارت است از): «فرآیند تسلیم». «بنابراین پیدایش ۳»، «فرآیند تسلیم».

۱. تزریق شک

فکر می‌کنم وقتی در مورد روایت و سوسه حوا توسط مار تأمل می‌کنید، چندین مرحله وجود دارد. ابتدا در پیدایش ۱:۳ می‌خوانید که در آن شک و تردید ایجاد می‌شود: «مار از هر حیوان وحشی که خدا ساخته بود، حیل‌مگرت‌تر بود. او به زن گفت: آیا خدا واقعاً گفته است که از هیچ درختی در باغ نخورید؟» «در اینجا شک و تردید ایجاد می‌شود. شیطان سوالی مطرح می‌کند»: «آیا خدا واقعاً گفته است که از هیچ درختی در باغ نخورید؟» «مفهوم ضمنی این سوال این است که خدا مهربان و خوب نیست. آیا خدا کسی است که به شما اجازه نمی‌دهد کار بی‌ضرری مانند خوردن از آن درخت انجام دهید؟ به نظر من در این سوال یک کنایه وجود دارد»: «آیا خدا واقعاً گفته است که از هیچ درختی در باغ نخورید؟»

زن به دفاع از خدا می‌پردازد که دومین مرحله در این فرآیند است، اما به نظر می‌رسد تشدید ممنوعیت ۲. که با این کار، ممنوعیت را تشدید می‌کند. حالا، نمی‌دانم که آیا می‌توانید در این مورد متعصب باشید، اما به نظر می‌رسد که او در آیه ۲ همین کار را می‌کند. «زن به مار می‌گوید»: «ما می‌توانیم از میوه درختان باغ بخوریم، اما خدا گفته است که از درختی که در وسط باغ است نخورید و آن را لمس نکنید وگرنه خواهید مرد». «عبارت آخر، آن را لمس نکنید»، چیزی نیست که در پیدایش ۲:۱۷ به ما گزارش شده باشد. پیدایش ۲:۱۷ می‌گوید: «از درخت «شناخت نیک و بد نخورید، زیرا وقتی از آن بخورید، مطمئناً خواهید مرد». وقتی او پاسخ می‌دهد، می‌گوید: «خدا گفت: از درختی که در وسط باغ است نخورید و آن را لمس نکنید وگرنه خواهید مرد». «به عبارت دیگر، او این تشدید ممنوعیت را اضافه می‌کند. حالا، شاید بتوانید بیش از حد از آن برداشت کنید، اما به نظر من این نشان دهنده‌ی نگرشی از رنجش یا آزرده‌گی از جانب حوا است، به این معنا که شاید خدا در اینجا کمی بیش از حد سخت‌گیر است. چرا او این کار را می‌کند؟ نمی‌دانم چند نفر از شما فرزند خردسال دارید، اما این نوع واکنش را اغلب در کودکان خردسال خواهید دید. به آنها می‌گویید که نباید فلان کار را انجام دهند و آنها از آن رنجش می‌گیرند، و سپس با ابراز آن رنجش، آن را سخت‌گیرانه‌تر یا خشک‌تر می‌کنند و به این شکل آن را تحریف

می‌کنند. با این حال، آنچه واقعاً بیان می‌کند، رنجش یا آزرده‌گی از محدود شدن است. ممکن است چیزی از آن در اینجا وجود داشته باشد، من در مورد آن جزم‌اندیش نیستم، اما مطمئناً در مقایسه‌ی عبارت پیدایش ۳:۲ با ممنوعیت، این اضافه وجود دارد که ممکن است نشان‌دهنده‌ی آزرده‌گی یا رنجش از جانب او باشد، مبنی بر اینکه خدا بیش از حد سخت‌گیر است.

مرحله‌ی سوم این است که شیطان، در آیه‌ی ۴، صریحاً خدا را به دروغ‌گویی متهم اتهام زدن به خدا ۳. می‌کند. او بیرون می‌آید و می‌گوید: «مار به زن گفت: هرگز نخواهی مرد.» آیه ۴ این است: «هرگز نخواهی مرد.» این یک حمله مستقیم به صداقت و درستکاری خداست. خدا گفت: «خواهی مرد، شیطان می‌گوید: نخواهی مرد.»

گام چهارم در آیه ۵ است، زیرا در آیه ۵ شیطان به سراغ ترکیبی از حقیقت و آمیختن حقیقت و دروغ ۴. دروغ می‌رود. او می‌گوید: «زیرا خدا می‌داند وقتی از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و مانند خدا خواهید شد و خوب و بد را خواهید شناخت.» ترکیبی از حقیقت و دروغ وجود دارد که اغلب از دروغ آشکار بدتر است. تشخیص آن دشوار است. آنچه شیطان در آیه ۵ می‌گوید درست است، اما به نفع انسان نیست، همانطور که او تلویحاً می‌گوید. وقتی از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و مانند خدا خواهید شد.» حال در پیدایش ۳:۲۲ در پایان فصل، ما قبلاً در ارتباط دیگری به آن آیه نگاه کردیم. می‌توانید ببینید آنچه شیطان در آنجا گفت درست است، همانطور که خدا پس از سقوط در آیه ۲۲ می‌گوید: «انسان اکنون مانند یکی از ما شده است که نیک و بد را می‌شناسد.» اما می‌بینید که این به معنای چیزی مطلوب و خوب است، در حالی که در واقع به معنای غصب آن توسط آدم و حوا است، همانطور که قبلاً در مورد اهمیت نام درخت شناخت نیک و بد، مکانی که به حق فقط متعلق به خدا به عنوان تعیین‌کننده ارزش‌ها و آنچه درست و آنچه نادرست بود، بحث کردیم. بنابراین شیطان تلویحاً می‌گوید که این به نفع آنهاست، در حالی که در واقع اینطور نیست. بنابراین ترکیبی از حقیقت و باطل وجود دارد.

مرحله پنجم، آیه ۶: «چون زن دید که میوه درخت او خودمختار می‌شود و فرمان خدا را نقض می‌کند. ۵. برای غذا خوب و چشم‌نواز است و همچنین برای کسب حکمت مطلوب است، مقداری از آن را برداشت و خورد.» آنچه در آیه ۶ می‌بینید این است که استدلال انسانی زن، بر اساس استدلال‌های شیطان، او را به گناه سوق می‌دهد. فکر می‌کنم روند اینجا تسلیم تدریجی بود، همانطور که می‌توان گفت. اما تنها زمانی که میوه را می‌چشد و می‌خورد، از آن مرز فراتر می‌رود. او ممنوعیتی را که خدا برایش تعیین کرده بود، نقض می‌کند و واقعاً خود را به عنوان معیاری که خیر و شر، درست و غلط را تعیین می‌کند، قرار می‌دهد و مدعی آن استقلالی است که به درستی فقط متعلق به خداست.

آیه اول یوحنا ۲:۱۶: آیه جالبی در ارتباط با پیدایش ۳ است. اول یوحنا ۲:۱۶ می‌گوید: «زیرا هر آنچه در دنیاست، شهوت جسم و شهوت چشم و غرور حیات از پدر نیست، بلکه از دنیاست. دنیا فانی است و شهوت آن. اما کسی که اراده خدا را انجام می‌دهد، تا ابد باقی می‌ماند.» شما «شهوت جسم» را دارید که در اول یوحنا ۲:۱۶ ذکر شده است، جنبه شهوانی انسان - اشتهای بدنی. اگر به آیه ۶ نگاه کنید، «زن دید که درخت برای غذا خوب است» - جنبه شهوانی انسان، اشتهای بدنی او. سپس، در اول یوحنا ۲:۱۶: «شهوت چشم» - جنبه زیبایی‌شناختی را دارید. و در پیدایش ۳:۶ می‌خوانید: «میوه برای چشم خوشایند بود.» و سپس جنبه فکری «برای کسب حکمت مطلوب است.» «یوحنا» غرور حیات «را داشت، آن جنبه فکری - مطلوب برای کسب حکمت. به نظر می‌رسد آن سه جنبه: حسی، زیبایی‌شناختی و فکری، در این استدلال که او را به خوردن میوه سوق داد، با هم ترکیب می‌شوند.

۶. حوا میوه را به آدم می‌دهد.

ششمین و آخرین مرحله در انتهای آیه ۶ است. او همچنین مقداری به شوهرش که با او بود داد و او آن را خورد. پس، آدم نیز گرفت و خورد. «جان موری، در یادداشت‌های خود در مورد این متن در برخی از سخنرانی‌ها، اظهار می‌کند که ساده‌ترین راه برای غلبه بر یک مرد، از طریق زنی است که او دوست دارد و برایش احترام قائل است. ممکن است چیزی از این موضوع در اینجا دخیل بوده باشد. مطمئناً، آدم مسئول بود و بقیه کتاب مقدس این را روشن می‌کند. اما از طریق حوا است که او به گناه کشیده می‌شود.

بنابراین، یک فرآیند تدریجی وجود دارد. از لحاظ تئوری می‌توانید به آن فرآیند برگردید، در مورد آن تأمل کنید و این سوال را بپرسید که گناه واقعاً چه زمانی اتفاق افتاد؟ حوا چه زمانی گناه کرد؟ نمی‌دانم می‌توانید آن را به طور دقیق مشخص کنید یا نه. مطمئناً زمانی که او میوه را برداشت، در عمل آشکار، به وضوح از فرمان تخلف کرده بود. اما ممکن است قبل از آن در استدلال خود، در ذهنش، گناه کرده باشد. موری می‌گوید که گناه در نقطه‌ای رخ داده است که در آن، پذیرش دلسوزانه پیشنهادات مار وجود داشته است. در اینجا حوا می‌توانست بگوید: «ببینید خداوند گفته است، من از خداوند اطاعت خواهم کرد»، اما در عوض، می‌گوید: «وای، شاید حق با تو باشد.» در آن نقطه، جایی که او با همدلی پیشنهادات مار را می‌پذیرد، موری احساس می‌کند که گناهی رخ داده است. او فکر نمی‌کند که بتوانید آن را مشخص کنید. شما نمی‌توانید کاملاً مطمئن باشید که دقیقاً کجا این اتفاق افتاده است. ممکن است به اولین پاسخ او برگردد. وقتی او می‌گوید: «ما می‌توانیم از میوه درختان باغ بخوریم» یا وقتی در انتهای آیه ۲ می‌گوید: «شما هم نباید آن را لمس کنید.» ممکن است به آن زمان خیلی عقب‌تر برگردد، اما گفتنش با قطعیت دشوار است. در هر صورت، شما یک فرآیند تسلیم شدن دارید.

د. عبارت است از: «ناگهانی بودن نتیجه.» (این فرآیند تدریجی بود، نتیجه ناگهانی بود. د. ناگهانی بودن نتیجه

شما متوجه می‌شوید که بلافاصله، در آیه هفتم، زیرا به محض اینکه آدم نیز از میوه برداشت، جمله بعدی در آیه ۷ این است: «چشمان هر دو باز شد و فهمیدند که برهنه هستند. و برگ‌های انجیر را به هم دوختند و برای خود پیشبند ساختند.» بنابراین، اولین نکته در رابطه با ناگهانی بودن نتیجه، شرم برهنگی است. آیه ۷، «چشمان آنها باز شد.» حال به یاد دارید که شیطان در آیه ۵ گفت: «خدا می‌داند که در روزی که بخورید، چشمان شما باز خواهد شد. و شما مانند خدا خواهید بود که نیک و بد را می‌داند.» وقتی غذا می‌خورند، متوجه می‌شوید و اولین چیزی که متن می‌گوید این است: «چشمان هر دوی آنها باز شد.» با این حال، چیزی که پیدا می‌کنید، آگاهی از برهنگی است که قبلاً وجود نداشت.

من فکر نمی‌کنم این به این معنی باشد، و فکر می‌کنم باید در این مورد خیلی قاطع باشیم، که این منشأ آگاهی جنسی بوده است. کسانی بوده‌اند که این را استدلال کرده‌اند. تا بعد از سقوط، آگاهی از آگاهی جنسی وجود ندارد. من فکر نمی‌کنم بتوانیم بگوییم که تمایلات جنسی و آگاهی جنسی به دلیل گناه به وجود آمده‌اند. تمایلات جنسی و آگاهی جنسی گناه‌آلود یا نتیجه گناه نیستند. خدا قبل از سقوط به آدم گفته بود: «بارور و تکثیر شوید و زمین را پر کنید.» هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم این منشأ آگاهی جنسی است. اما شما از شرم و برهنگی که در نقطه گناه ایجاد می‌شود، آگاهی دارید. من فکر می‌کنم چیزی که این به ما می‌گوید این است که اکنون یک رابطه مخدوش یا تحریف‌شده بین آدم و حوا وجود دارد که قبلاً وجود نداشت. من فکر می‌کنم چیزی که این نشان می‌دهد در نهایت تحریف تمام روابط انسانی به دلیل گناه است.

اگر به پیدایش ۲:۲۵ برگردیم، می‌خوانیم: «هر دو برهنه بودند، آدم و زنش خجالت نمی‌کشیدند.» اما حالا همه چیز تغییر کرده است، آنها می‌دانند که برهنه هستند و حالا برگ‌های انجیر را به هم می‌دوزند و برای خود پیش‌بند درست می‌کنند. من فکر می‌کنم این نشان دهنده شرمی است که در نتیجه گناه ایجاد می‌شود و به نابودی هماهنگی و پاکی در رابطه بین آدم و حوا اشاره دارد. آنچه در ابتدا در شرایط بی‌گناهی آنها وجود داشت، اکنون از بین رفته است و البته، به معنای وسیع‌تر، فکر می‌کنم این نشان دهنده بیگانگی بین انسان و هم‌نوعش است، چه مرد باشد و چه زن، به دلیل گناه و روابط تحریف شده.

فکر می‌کنم شاید چیزی که من می‌گویم شرم یک واکنش است. شاید این اصطلاح خوبی برای استفاده نباشد. حالا اگر در موردش فکر کنید، شرم چیست؟ نوعی احساس عاطفی است که توسط چیزی برانگیخته می‌شود. فکر می‌کنم احساسی است که از آگاهی از گناه ناشی می‌شود. می‌تواند علل مختلفی داشته باشد، شما می‌توانید به خاطر برهنگی شرم‌منده شوید، می‌توانید به خاطر چیزهای مختلفی که ممکن است آن را برانگیزند، شرم‌منده شوید. این به حس گناه مربوط می‌شود. در اینجا با نمایش بدن مرتبط است. تا آنجا که ما می‌دانیم، حیوانات آن را ندارند. این یک چیز بسیار پیچیده است زیرا به فرهنگ و تربیت نیز مربوط می‌شود. می‌دانید، در برخی فرهنگ‌ها، شرم تقریباً در مورد برهنگی وجود ندارد، به دلیل نحوه برخورد فرهنگ با آن. اما معمولاً به نظر می‌رسد که هم برای برهنگی و هم برای چیزهای دیگر احساس شرم وجود دارد. این به حس گناه مربوط می‌شود.

بنابراین به نظر من «واکنش» به این معنا است

اما بیایید به این سوال برگردیم، اهمیت آگاهی از برهنگی بلافاصله پس از هبوط چیست؟ من فقط پیشنهاد می‌کنم که انسان پس از هبوط، طبیعتی هبوط یافته دارد. او اساساً در نتیجه هبوط به سمت گناه گرایش پیدا می‌کند. این باعث می‌شود که او به دنبال هموع خود باشد و از او سوءاستفاده کند. این به واکنش طبیعی انسان در طبیعت هبوط تبدیل می‌شود و به دنبال سوءاستفاده از هموع خود است. فکر نمی‌کنم این موضوع در هیچ کجا به راحتی قابل مشاهده باشد، مگر در رابطه جنسی. سوءاستفاده از شخص دیگری هنگام ورود به یک رابطه جنسی، به یک خطر بسیار واقعی تبدیل می‌شود. و بنابراین آنچه ما می‌بینیم این است که رابطه بین آدم و حوا مانند قبل خالص نیست و آنها شرم را به عنوان بازتابی از گناه خود تجربه می‌کنند. دوباره از آن اصطلاح، "رفلکس"، استفاده می‌شود.

اما روی دیگر سکه، شرم به عنوان یک نعمت است. ممکن است در نتیجه گناه و احساس گناه باشد، اما همچنین یک نعمت است زیرا از خطر اخلاقی محافظت می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که بی‌حیایی، سوءاستفاده جنسی از شخص دیگر را تشویق می‌کند. در جامعه ما موارد زیادی از این دست وجود دارد و سوءاستفاده جنسی را تشویق می‌کند. شرم از آن محافظت می‌کند. لباس توسط خدا به عنوان وسیله‌ای برای حفظ رابطه مناسب بین دو جنس در یک دنیای سقوط کرده داده شده است. حال، اگر کمی بیشتر در این مورد تأمل کنیم، به نظر من جایی که عشق واقعی حاکم است، این اصطلاح امروزه "عشق واقعی" بار معنایی دارد، عشق واقعی به معنای کتاب مقدس که در آن عشق حاکم است، و جایی که تمایل به اطاعت از خدا از سوی دو فرد در یک رابطه زناشویی وجود دارد، آن شرم می‌تواند تا حد زیادی از بین برود. و می‌توانید به آنچه در پیدایش ۲:۲۵ بود، نزدیک شوید، "آنها هر دو برهنه بودند، مرد و همسرش و شرم‌نده نبودند." اما تنها در جایی که عشق حقیقی به معنای کتاب مقدسی آن حاکم باشد، و جایی که میل به اطاعت از خدا وجود داشته باشد، آن کارکرد بدون تبدیل شدن به بی‌شرمی و قیحانه از بین می‌رود. به نظر من در شرایط درون رابطه زناشویی می‌توان به آن وضعیت قبل از سقوط نزدیک شد، اما هرگز در دنیای سقوط کرده به طور کامل تحقق نمی‌یابد.

بنابراین، اینجا اتفاق بسیار مهمی رخ می‌دهد. جالب است که اولین چیزی که پس از سقوط گفته می‌شود این است «چشمان هر دوی آنها باز بود، آنها می‌دانستند که برهنه هستند» «ثانیاً، به نظر من در اینجا ابتدا به یک سوال بزرگتر پرداخته شده است، و آن بیگانگی بین آدم و حوا است. این بیگانگی با گرایش به استثمار، شاید در یک رابطه جنسی به همان اندازه که در هر جای دیگر دیده می‌شود، واضح باشد و بنابراین این به موضوعی تبدیل می‌شود که بلافاصله در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد. من فکر می‌کنم موضوع بسیار گسترده‌تر است. شما موضوع نوح و پسرانش را می‌دانید، اگرچه موضوع زن و مرد نیست، اما کاملاً ممکن است که نوعی استثمار جنسی منحرفانه در آنجا و همچنین در افشای برهنگی نوح وجود داشته باشد.

رونویسی توسط لورن امانوئل، آلی کاریوو ، مورگان والیر و ویراستار فیلیپ والذ
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط ریچل اشلی
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت